

الحامد

بیانات رهبر انقلاب
درس‌خبرانی تلویزیونی
خطاب به ملت ایران





الحکام وقت
عید

بیانات رهبرانقلاب در سخنرانی تلویزیونی خطاب به ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله
الطاهرين سيّما بقيّة الله في الارضين.

سلام عرض میکنم به همه‌ی ملت عزیز ایران. عرایضی را مناسب
دیدم که با مردم عزیزمان در میان بگذارم؛ دو سه موضوع هست که حالا
درباره‌ی آنها شرح خواهم داد.

❖ تبریک آغاز ماه مهر؛ ماه حرکت به سمت دانایی و توانایی

پیش از شروع در این مطلب، لازم میدانم شادباش عرض کنم ورود
ماه مهر را. ماه مهر، ماه درس و مدرسه و دانش و دانشگاه است. ماه مهر،
ماه آغاز حرکت میلیون‌ها جوان و نوجوان و نونهال به سمت دانایی و
توانایی است؛ این خصوصیت ماه مهر است.

بنده به مسئولان عزیزمان، بخصوص مسئولان آموزش و پرورش،
و وزارت علوم، و بهداشت و درمان، توصیه میکنم که ارزش و اهمّیت
استعداد جوان ایرانی را همواره مورد نظر داشته باشند. جوانان ایرانی
استعدادشان در دانش و در بسیاری از مسائل دیگر زندگی را نشان
داده‌اند.

❖ درخشش جوانان ایرانی در رقابتهای بین‌المللی دانش‌آموزی و ورزشی

من اینجا این آمار را بخوانم: در رقابتهای مختلف دانش‌آموزان
جهان، در همین اواخر، با [وجود] حوادث جنگ دوازده‌روزه و این
چالش‌هایی که وجود داشت، دانش‌آموزان ما چهل مدال رنگارنگ
را کسب کردند که از این چهل مدال، یازده مدال طلا بود. اینها خیلی
اهمّیت دارد، ارزش دارد. در المپیاد نجوم، رتبه‌ی اوّل را در دنیا در بین
کشورهای شرکت‌کننده‌ی بین‌المللی به دست آوردند. در رشته‌های دیگر
هم رتبه‌های خوبی را به دست آوردند. در عرصه‌ی ورزش هم که خب این



روزها دارید می بینید؛ قبلاً والیبال، حالا هم کشتی. جوانهای ما این جوری هستند؛ بحمدالله استعداد اینها استعداد فوق العاده ای است؛ از این بایستی استفاده کرد.

❖ **سید حسن نصرالله و حزب الله لبنان؛ ثروتی برای دنیای اسلام**

لازم میدانم این روزها به مناسبت سالگرد شهادت مجاهد کبیر، شهید سید حسن نصرالله، یادی از ایشان بکنم. سید حسن نصرالله ثروت عظیمی بود برای دنیای اسلام؛ نه فقط برای تشیع، نه فقط برای لبنان؛ ثروتی برای دنیای اسلام بود. البته این ثروت از دست نرفته؛ ثروت باقی است؛ او رفت، اما این ثروتی که او ایجاد کرده بود باقی است. داستان حزب الله لبنان داستان دنباله داری است. نباید حزب الله را دست کم گرفت و نباید از این ثروت مهم غفلت کرد. این ثروتی است برای لبنان و برای غیر لبنان.

لازم میدانم یاد شهیدان اخیرا که در این حادثه ی [جنگ] دوازده روزه به شهادت رسیدند - چه سرداران نظامی، چه دانشمندان و چه دیگر افرادی که در این ماجرا شهید شدند - گرامی بدارم و به خانواده های عزیزشان صمیمانه و از ته دل تسلیت عرض میکنم.

❖ **محورهای سخنان؛ اتحاد مردم، غنی سازی، مذاکره با آمریکا**

اما مطالبی که مناسب دیدم مطرح کنم، سه مطلب است. یک مطلب درباره ی یکپارچگی ملت ایران است؛ البته در این باره زیاد صحبت شده؛ من یک نکته ای را در این مورد میخواهم عرض کنم. مطلب دوم درباره ی مسئله ی غنی سازی است که یک توضیحی درباره ی این غنی سازی ای که این قدر صحبتش میشود و تکرار میشود، من عرض کنم. مطلب سوم هم درباره ی مذاکره ی با آمریکا است که صاحبان بیان و صاحبان قلم درباره ی آن حرفهای گوناگونی میزنند؛ بعضی موافق، بعضی مخالف؛ بعضی با استدلال، بعضی بی استدلال. درباره ی این هم به قدر امکان چند جمله ای میخواهم عرض کنم.

✦ اتحاد مردم ایران عامل ناامیدی دشمن

اما در مورد اوّل، یعنی در مورد اتحاد ملت ایران، اوّلین حرف من این است که در جنگ دوازده روزه، اتحاد ملت ایران، یکپارچگی ملت ایران، دشمن را ناامید کرد؛ یعنی دشمن از همان روزهای اوایل و اواسط جنگ فهمید که به آن مقصود و غرضی که داشته، دست نخواهد یافت. غرض دشمن، زدن فرماندهان نبود؛ این یک وسیله بود. دشمن با خودش فکر کرده بود که فرماندهان نظامی را بزند، بعضی شخصیت‌های مؤثر نظام را بزند، در کشور اغتشاش به وجود بیاورد و بخصوص در تهران، عوامل آنها به آشوب و اغتشاش دست بزنند و مردم را - افرادی را که میتوانند - به خیابانها بکشانند و به وسیله‌ی مردم، علیه جمهوری اسلامی حادثه‌ای درست کنند. این هدف بود؛ بنابراین هدف، جمهوری اسلامی بود؛ هدف، مختل کردن نظام بود که من در یک صحبت دیگری گفتم^(۱) که اینها حتّی برای بعد از جمهوری اسلامی نشسته بودند، نقشه کشیده بودند و فکر کرده بودند. میخواستند فتنه درست کنند، فتنه‌های خیابانی درست کنند، دسته جاتی را راه بیندازند و ریشه‌ی اسلام را در کشور بکنند؛ این هدف دشمن بود.

✦ شکست طرح دشمن در ایجاد اغتشاش در ایران

خب این هدف در همان قدمهای اوّل شکست خورد. سرداران که تقریباً بلافاصله جایگزین شدند، کسانی جایگزین آنها معین شدند و وضع و نظام و ترتیب و قاعده‌ی نیروهای مسلّح با همان استحکام و با روحیه‌ی بالاتر باقی ماند؛ اما مردم که مؤثرترین عنصر، آنها بودند، مطلقاً تحت تأثیر آنچه دشمن میخواست قرار نگرفتند؛ تظاهراتی به وجود آمد، خیابانها پُر شد اما علیه دشمن، نه علیه نظام اسلامی. کار را مردم به جایی رساندند که دشمن، آن کسانی که در بیرون مرزها هستند، به عوامل خودشان گفتند: «بی‌عرضه‌ها! ما دیگر چه کار میتوانستیم برای شماها



بکنیم که نکردیم؟ زمینه‌ها را فراهم کردیم، بمباران کردیم، عده‌ای را ترور کردیم، کشتیم؛ چرا کاری نمیکنید؟». این عواملشان در ایران، در تهران - که البته بدون شک عواملی دارند - اینها جواب دادند، گفتند ما میخواستیم کارهایی بکنیم [اما] مردم به ما اعتنائی نکردند، به ما پشت کردند؛ مسئولان و کسانی هم که مسئول انضباط کشور بودند نگذاشتند، مانع شدند و ما نتوانستیم کاری را انجام بدهیم. پس نقشی دشمن عقیم شد.

❖ باقی بودن عامل وحدت ملت ایران علی‌رغم تبلیغات دشمن

خب اینهایی که عرض کردم، قبلاً هم بعضی از اینها را یا همه‌ی اینها را ما گفته‌ایم یا دیگران گفته‌اند. آن نکته‌ای که من می‌خواهم روی آن تکیه بکنم، این است که این عامل همچنان باقی است؛ عامل وحدت ملت ایران همچنان باقی است. عده‌ای - که منشأ این عده هم خارج از کشور است خبرهایی که به ما رسیده، این را نشان میدهد - می‌خواهند این جور وانمود بکنند که آن اتحادی که در ابتدای جنگ دوازده روزه و این مدّت پیدا شد، مال همان روزها بود؛ چند روز که بگذرد، بتدریج ضعیف میشود، اختلافات به وجود می‌آید، اختلاف نظرها غلبه پیدا میکند و این اتحاد از بین خواهد رفت؛ مردم ایران متفرّق میشوند و میتوان از گسله‌های قومی استفاده کرد، از اختلافات سیاسی استفاده کرد و مردم ایران را به جان هم انداخت و اغتشاش و شورش درست کرد! این را دارند تبلیغ میکنند.

❖ مشت محکم ملت ایران در مقابل نقشه اختلاف افکنی دشمن

من می‌خواهم بگویم این حرف، غلط محض است. بله، در مسائل سیاسی اختلاف نظر وجود دارد؛ ما اقوام زیادی هم در کشور داریم که همه ایرانی‌اند و افتخار میکنند به ایرانی بودن خودشان؛ اینها هست، منتها در مقابل دشمن، همه‌ی این مجموعه یک مشت محکم پولادینند



که بر فرق دشمن فرود خواهند آمد؛ امروز این جور است، در گذشته هم همین جور بوده، بعد از این هم به توفیق الهی این جور خواهد بود. ایران امروز و ان شاء الله فردا، همان ایرانِ روز بیست و سوم خرداد و بیست و چهارم خرداد است که مردم آمدند خیابانها را پُر کردند و علیه صهیون ملعون و آمریکای جنایتکار شعار دادند. این مسئله‌ی اوّلی که میخواستیم عرض کنم. نکته‌اش هم این بود که این اتّحاد ملّی، این یکپارچگی مردم همچنان وجود دارد و وجود خواهد داشت؛ البتّه همه هم در مقابل آن مسئول هستیم.

❖ کاربردهای اورانیوم غنی‌سازی شده در بخشهای مختلف

نکته‌ی دوّم، مسئله‌ی «غنی‌سازی» است. در اظهارات و بگومگوهای وزارت خارجه با طرفهای سیاسی خود، کلمه‌ی غنی‌سازی خیلی تکرار میشود. آنها درباره‌ی غنی‌سازی یک چیزی میگویند، ما یک چیزی میگوییم. در داخل کشور هم، در بحثهای گوناگون همین جور است، کلمه‌ی غنی‌سازی تکرار میشود. من یک توضیح کوتاهی در مورد غنی‌سازی می‌خواهم بدهم. اصلاً غنی‌سازی چیست؟ چیست که این قدر اهمّیت دارد؟ همه‌ی بحثها حول و حوش غنی‌سازی می‌چرخد؛ غنی‌سازی اورانیوم.

من می‌خواهم بگویم غنی‌سازی یک کلمه است، امّا در زیر آن یک کتاب حرف هست؛ که من حالا مختصری اشاره خواهم کرد. اگر افرادی که صاحب تخصّص در این رشته‌ها هستند، با مردم در این زمینه صحبت کنند خوب است، مناسب است. من یک مختصری عرض خواهم کرد.

غنی‌سازی اورانیوم یعنی دانشمندان و متخصصان مربوط به مسائل اورانیوم بیایند اورانیوم خام را - که معادنش هم در ایران وجود دارد - با یک رشته تلاشهای فنی پیچیده و پیشرفته تبدیل کنند به یک مادّه‌ی بسیار باارزشی که در مسائل گوناگون زندگی مردم دارای تأثیر



است؛ این معنای غنی سازی است. یعنی یک چیزی را که از معدن زمینی به دست می آید، با فناوری های پیچیده، بازحمات زیاد، با تخصّص های بالا، با مهارت های زیاد، می آورند تبدیل میکنند به یک ماده ای که این ماده همان اورانیوم غنی سازی شده است؛ آن را به غنی سازی می رسانند، به درجات مختلف و این برای مسائل گوناگونی در زندگی مردم مؤثر است؛ یعنی مردم از جهات مختلف، از ماده ای اورانیوم غنی سازی شده سود می برند و استفاده میکنند و در زندگی مردم اثر میگذارد؛ از جمله در کشاورزی، که مفصل در کشاورزی تأثیر دارد؛ از جمله در صنعت و مواد؛ در مسئله ی تغذیه که مربوط به همان کشاورزی است؛ در مسئله ی محیط زیست و منابع طبیعی تأثیر دارد؛ در بخش های مربوط به پژوهش و آموزش و تحقیق و دنبال گیری های علمی تأثیر دارد؛ در ایجاد انرژی برق هم که خب تأثیر واضحی دارد. امروز در بسیاری از کشورهای پیشرفته ی دنیا نیروگاه های برق با اورانیوم اداره میشود، [در حالی که] ما اغلب این نیروگاه ها را با بنزین و با گاز اداره میکنیم که البته، هم هزینه ی زیادی دارد، هم آلاینده گی محیط زیست را دارد، آلاینده گی هوا را دارد؛ اما آن برقی که از اورانیوم غنی سازی شده و نیروگاه های هسته ای به دست می آید، آلاینده گی اش صفر است، هزینه اش بسیار کمتر است، عمر [نیروگاهش] بسیار طولانی تر است و امتیازات فراوان دیگری دارد که اینها را متخصصین باید بیایند برای مردم شرح بدهند. به نظر من اگر چنانچه ما این کاربردهای گوناگون ماده ای اورانیوم غنی سازی شده را فهرست کنیم، یک فهرست طولانی ای خواهد شد.

❖ رسیدن به فناوری داخلی غنی سازی با زحمت چندین ساله مدیران و دانشمندان

خب ما این فناوری بسیار مهم را نداشتیم. ما قادر به غنی سازی نبودیم. دشمنها هم راضی نبودند به اینکه به ما بدهند، کس دیگری هم



به ما این را نمیداد. چند مدیر با همت و چند دانشمند مسئول و والامقام - به معنای واقعی کلمه - مسئله‌ی غنی‌سازی اورانیوم را از سی و چند سال قبل در کشور شروع کردند و به اینجا رساندند. امروز ما از لحاظ غنی‌سازی اورانیوم در یک سطح بالایی قرار داریم. البته این غنی‌سازی را کشورهایی که میخواهند سلاح هسته‌ای درست کنند، تا نود درصد خلوص هم میبرند؛ ما چون احتیاج به سلاح نداریم و تصمیم بر عدم سلاح هسته‌ای هم داریم، تا آنجا بالا نبردیم، تا شصت درصد بالا بردیم که رقم خیلی بالایی است، رقم خیلی خوبی است و برای برخی از کارهای مورد نیازمان در کشور لازم است؛ تا اینجا توانستیم پیش ببریم. مایکی از ده کشور دنیا هستیم که این توانایی را داریم؛ یعنی من به شما عرض کنم در میان دویست و چند کشور دنیا، ده کشور هستند که قادرند غنی‌سازی کنند، یکی از این ده کشور، ایران اسلامی است.

❖ وجود هزاران تربیت‌شده در رشته‌های مرتبط با موضوع هسته‌ای

البته آن نه کشور دیگر بمب هسته‌ای هم دارند، ما هستیم که بمب هسته‌ای نداریم و نخواهیم داشت و بنا نداریم که از سلاح هسته‌ای استفاده کنیم اما غنی‌سازی را داریم. مایکی از ده کشور این صنعت سرآمد محسوب میشویم؛ و این دانشمندانی که عرض کردم، بنیان این کار را گذاشتند، مبالغ زیادی پیش بردند اما کار مهم ترشان عبارت بود از تربیت افراد فراوانی در این راه. این گزارشی است که صاحبان قضیه به ما داده‌اند، یعنی یک گزارش متقن و موثقی است: امروز در کشور ده‌ها دانشمند و استاد مبرز،^(۲) صدها دانش‌پژوه و هزاران تربیت‌شده‌ی گروه‌های هسته‌ای در رشته‌های گوناگون مرتبط با این موضوع در حال فعالیتند. حالا اینها آمده‌اند تأسیسات فلان جا و فلان جا را بمباران کردند؛ مسئله این است که این علم است؛ علم از بین رفتنی نیست، علم با بمب و با تهدید و با این چیزها از بین نمیرود؛ این وجود دارد.



عرض کردم، تکرار میکنم، ده‌ها دانشمند مبرّز، استاد مبرّز و ماهر، صدها دانش‌پژوه و هزاران تربیت‌شده‌ی برای کارهای مختلف هسته‌ای که حالا مثلاً فرض کنید که در مورد درمان، من کاربردهای هسته‌ای درمان را اسم نبردم؛ درمان یکی از موارد مهمّ کاربرد غنی‌سازی هسته‌ای است. در رشته‌های مختلف درمان، عدّه‌ی زیادی مشغول به کارند؛ در بخش کشاورزی همین جور، در بخش صنعت همین جور، در بخش کارهای گوناگون مختلف همین جور مشغول کار هستند و دارند تلاش میکنند.

✦ تسلیم نشدن ملت ایران در برابر فشار دشمن در زمینه غنی‌سازی نداشتن

البته در این چند دهه که ما این کارها را در کشور انجام دادیم، روی ما، روی ایران، روی مسئولین کشور، روی دولتهایمان فشارها هم بسیار زیاد بوده که خواسته‌اند با این فشارها ایران دست از این کار بردارد، [اما] ما تسلیم نشدیم و نخواهیم شد. ما در این قضیه و در هر قضیه‌ی دیگری، تسلیم فشار نشدیم و نخواهیم شد. حالا این طرف آمریکایی،^(۳) پارا دریک کفش کرده که ایران باید غنی‌سازی نداشته باشد؛ حالا قبلی‌ها میگفتند که غنی‌سازیِ بالا نداشته باشید یا محصولات غنی‌سازی‌تان را در کشور نگه ندارید؛ این چیزها را میگفتند که ما قبول نداشتیم. این میگوید اصلاً بکلی غنی‌سازی نداشته باشید. [این] یعنی چه؟ یعنی این دستاورد بزرگی که برای آن، کشورمان این همه تلاش کرده، این همه هزینه کرده، این همه مشکلات فراوان را از سر گذرانده، همه‌ی این تلاش‌ها را، همه‌ی محصول این کارها را دود کنید و هوا کنید و از بین ببرید! معنای «غنی‌سازی نداشتن» این است. خب معلوم است، ملت غیرتمندی مثل ملت ایران، توی دهن گوینده‌ی این حرف میزند و این حرف را قبول نمیکند. این هم [مطلب] مربوط به غنی‌سازی که عرض کردیم.

✦ بی‌فایده بودن و ضرر داشتن مذاکره با آمریکا در شرایط و وضع کنونی

و اما موضوع دیگری که موضوع سوّم است: در اظهارات اهل

سیاست، مسئله‌ی مذاکره‌ی با آمریکا زیاد مطرح میشود؛ نظرات مختلفی هم هست. گفتم بعضی‌ها این را مفید میدانند، لازم میدانند، بعضی‌ها مضر میدانند، بعضی‌ها نظرات میانه‌تری دارند؛ حرف‌ها مختلف است. من آنچه را تا حالا در این سال‌های متمادی فهمیده‌ام، دیده‌ام، احساس کرده‌ام و تجربه کرده‌ام، به ملت عزیزمان عرض میکنم.

خواهش میکنم مسئولین سیاسی و فعالان سیاسی هم یک قدری تأمل کنند، روی این حرف‌ها فکر کنند، تأمل کنند و قضاوت را براساس آگاهی و اطلاع انجام بدهند. حرف من این است که در حال حاضر با وضعیتی که وجود دارد - حالا ممکن است بیست سال دیگر، سی سال دیگر وضعیت دیگری وجود داشته باشد؛ با آن کاری نداریم - در وضع کنونی، مذاکره‌ی با دولت آمریکا، اولاً هیچ کمکی به منافع ملی ما نمیکند، هیچ سودی برای ما ندارد، هیچ ضرری را هم از ما دفع نخواهد کرد؛ یعنی کاری است بدون سود، بدون اینکه برای کشور فایده‌ای داشته باشد، بدون اینکه ضرری را دفع کند؛ مطلقاً چنین تأثیری ندارد. این اولاً.

ثانیاً بعکس، زیان‌هایی هم بر آن مترتب است. یعنی سود که ندارد هیچ، مطلب دوم این است که مذاکره‌ی با آمریکا در شرایط کنونی ضررهای بزرگی برای کشور دارد که شاید بشود گفت بعضی از این ضررها جبران‌ناپذیر هستند؛ یک چنین زیان‌هایی هم دارد. من حالا اینها را شرح خواهم داد.

❖ علل بی‌فایده بودن مذاکره: تحمیل نتیجه‌ی مذاکرات و تعطیلی فعالیتهای هسته‌ای

اما اینکه می‌گوییم به سود ما نیست، برای ما فایده‌ای ندارد، چون طرف آمریکایی پیشاپیش خودش نتیجه‌ی مذاکرات را معین کرده؛ یعنی اعلام کرده که مذاکره‌ای را قبول دارد و میخواهد مذاکره‌ای بکند که نتیجه‌ی آن مذاکره، تعطیل شدن فعالیتهای هسته‌ای و غنی‌سازی در



کشور ایران باشد. یعنی بنشینیم پشت میز مذاکره‌ی با آمریکا و نتیجه‌ی گفتگو‌هایی که با آنها خواهیم کرد، حرفی باشد که او گفته («باید انجام بگیرد») این که دیگر مذاکره نیست؛ این دیکته است، این تحمیل است؛ بنشین مذاکره کن با یک طرفی که نتیجه‌ی آن مذاکره الزاماً باید همان چیزی باشد که او می‌خواهد، همان چیزی باشد که او می‌گوید! این مذاکره است؟ طرف مقابل امروز این جوری حرف می‌زند، می‌گوید مذاکره کنیم و از مذاکره این دریاید که ایران غنی‌سازی نداشته باشد! حالا این [فرد] غنی‌سازی را گفته، چند روز قبل از این، معاونش اعلان کرد که ایران بایستی موشک هم نداشته باشد! نه موشک دور بُرد؛ موشک میان بُرد هم نباید داشته باشد، موشک کوتاه بُرد هم نباید داشته باشد! یعنی ایران آن چنان دستش بسته و خالی باشد که اگر چنانچه به او تعرّض شد، حتّی به این پایگاه آمریکایی در عراق یا در فلان جا هم نتواند جوابی بدهد و پاسخی بدهد؛ معنای این حرف این است؛ مذاکره کنیم تا این نتیجه به وجود بیاید! خب این سود نیست؛ این مذاکره‌ای است که در آن هیچ سودی وجود ندارد، و همه‌اش به ضرر ما است؛ این نتیجه‌ی مذاکره است. این مذاکره نیست؛ زورگویی است، تحمّل زورگویی و تحمیل آمریکا است. وقتی کسی با ایران اسلامی طرف است، این جور توقّعات، این جور اظهارات، ناشی از نشناختن ملّت ایران است، ناشی از نشناختن جمهوری اسلامی است، ناشی از این است که نمیداند فلسفه و مبنا و ممشای ایران اسلامی چیست؛ اینها را که نمیداند، این جوری حرف می‌زند؛ به قول ما مشهدی‌ها «این حرف از دهن گوینده‌اش بزرگ‌تر است» و این حرفی که بیایید مذاکره کنیم برای یک چنین چیزی، قابل اعتنا نیست. پس بنا بر این برای ما سود ندارد.

❖ مورد پذیرش نبودن مذاکره همراه با تهدید

و اما ضرر؛ گفتم ضرر دارد. این مهم‌تر است؛ اینکه ضرر دارد، مهم‌تر



است. طرف تهدید کرده که اگر مذاکره نکنید، چنین و چنان خواهد شد، بمباران میکنیم، چه میکنیم؛ از این حرفها؛ یک خرده مبهم، یک خرده صریح؛ یعنی تهدید: یا مذاکره کنید یا اگر مذاکره نکردید، چنین و چنان خواهد شد! این تهدید است. خب قبول چنین مذاکراتی نشانه‌ی تهدیدپذیری ایران اسلامی است. اگر چنانچه شما با این تهدید رفتید مذاکره کردید، معنایش این است که ما در مقابل هر تهدیدی فوراً می‌ترسیم، می‌لرزیم و تسلیم طرف مقابل میشویم؛ معنایش این است. این تهدیدپذیری اگر به وجود آمد، دیگر انتها نخواهد داشت. امروز می‌گویند اگر چنانچه غنی‌سازی داشته باشید، ما چنین و چنان میکنیم؛ فردا می‌گویند اگر موشک داشته باشید، ما چنین و چنان میکنیم؛ بعد می‌گویند اگر با فلان کشور ارتباط نداشته باشید، ما چنین و چنان میکنیم؛ اگر با فلان کشور ارتباط داشته باشید، ما چنین و چنان میکنیم! مدام تهدید [هست] و مجبوریم که در مقابل تهدیدهای دشمن عقب‌نشینی کنیم. یعنی قبول مذاکراتی را که با تهدید همراه است، هیچ ملت با شرفی انجام نمیدهد، هیچ سیاستمدار خردمندی هم آن را تصدیق نمیکند. بنابراین، وضع این جوری است.

❖ صداقت نداشتن طرف آمریکایی در وعده‌های خود در مذاکره

طرف مقابل هم البته حالا ممکن است بگوید من در مقابل این، فلان امتیاز را هم به شما میدهم! دروغ می‌گویند؛ آنچه می‌گویند به عنوان امتیاز میدهیم، دروغ است. ده سال قبل از این، مایک قراردادی با آمریکایی‌ها بستیم که اسمش در داخل کشور ما «برجام» است؛ در این قرارداد، بنا شد که ما در مورد هسته‌ای این کارها را انجام بدهیم. آن مرکز تولید را مسدود کنیم؛ آن محصول سه و نیم درصدی را که آن وقت تولید میکردیم، بدهیم برود به خارج یا رقیق کنیم یعنی از بین برود، غنی‌سازی‌اش را از بین ببریم؛ و چیزهای دیگر. آنها هم در مقابل تحریمها



را بردارند و بعد از ده سال، پرونده‌ی ایران در آژانس هسته‌ای بین‌المللی به شکل عادی دربیاید. [البته] آن وقت، وقتی مسئولین کشور آمدند پیش ما گفتند «ده سال»، من گفتم «ده سال» یک عمر است، چرا «ده سال» را شما قبول می‌کنید؛ گفتند چنین، چنان، بنا شد «ده سال» را هم قبول نکنند، اما به هر حال قبول کردند. «ده سال» همین روزها تمام شد؛ آن ده سالی که بنا شده بود پرونده‌ی ایران در آژانس عادی بشود، این روزها تمام شد. امروز شما ملاحظه کنید، نه تنها پرونده عادی نشده، بلکه مشکلات هسته‌ای کشور در شورای امنیت، سازمان ملل و در هسته‌ای مضاعف شده، چند برابر هم شده! طرف این جوری است، قولش این است! ما همه‌ی کارهایی را که باید انجام می‌دادیم انجام دادیم، او تحریم‌ها را برنداشت، هیچ کدام از قولهایی را که داده بود انجام نداد و بعد هم اصلاً خود او، به تعبیر رایج، پاره کرد آن قرارداد یا آن توافقنامه و تفاهمنامه‌ای را که مقرر شده بود، اصلاً بکلی خارج شد از برجام و آن را رد کرد.

❖ قبول تهدیدهای آمریکایی ناپودی شرف یک ملت

اگر چنانچه شما با طرف مقابل مذاکره کنید و آنچه را او می‌خواهد قبول کنید که خب، این تسلیم و ضعف کشور و نابود کردن شرف یک ملت است؛ اگر تهدید او را که با تهدید دارد با شما حرف می‌زنند، قبول کردید، این جوری است، اگر قبول نکردید می‌شوید مثل حالا که باز همان دعوا و همان [مسئله‌ها هست]. بنابراین مذاکره، مذاکره‌ی درستی نیست. تجربه‌ها را فراموش نکنیم، این تجربه‌ی ده سال گذشته را فراموش نکنیم. آن که محلّ کلام ما است، آمریکا است؛ حالا فعلاً با اروپا مسئله‌ای نمی‌خواهم مطرح کنم.

❖ بن بست بودن مذاکره با آمریکا به علت دروغ و فریب و تهدید

این طرف مقابل ما در همه چیز خُلف وعده می‌کند، در همه چیز دروغ می‌گوید، فریب اعمال می‌کند؛ وقت و بی‌وقت تهدید نظامی می‌کند؛



اگر دستشان برسد، اشخاص را ترور میکنند، همچنان که سردار شهید ما را، شهید سلیمانی را ترور کردند؛ یا مراکز هسته‌ای را بمباران میکنند؛ اگر بتوانند از این کارها میکنند. طرف یک چنین وضعیتی دارد؛ با این طرف نمیشود مذاکره کرد، نمیشود با اطمینان و اعتماد نشست و حرف زد و حرف شنید و قرار گذاشت.

به نظر من مذاکره‌ی با آمریکا برای مسئله‌ی هسته‌ای و شاید برای مسائل دیگر، بن بست محض است؛ یعنی هیچ راه درستی وجود ندارد برای اینها، بن بست محض است. فکر کنند، ببینند. البته برای او مفید است؛ این مذاکره برای آن رئیس جمهور فعلی آمریکا مفید است؛ او سرش را بالا خواهد گرفت، خواهد گفت من ایران را تهدید کردم و او را آوردم پای میز مذاکره نشاندیم؛ او در دنیا از این افتخارات میکند. اما برای ما ضرر محض است و هیچ فایده‌ای برای ما ندارد.

❖ قوی شدن در همه‌ی زمینه‌ها، راه علاج پیشرفت کشور

و من آن چیزی که در نهایت می‌خواهم عرض بکنم، این است که راه علاج پیشرفت کشور، قوی شدن است؛ باید قوی بشویم. قوی شدن نظامی لازم است، قوی شدن علمی لازم است، قوی شدن دولتی و ساختاری و سازمانی لازم است. باید افراد هوشمند ما، صاحب نظران دلسوز ما بنشینند، راه‌های تقویت کشور را پیدا کنند؛ و این راه‌ها را دنبال کنند. اگر این شد، آن وقت طرف تهدید هم نمیکند؛ اگر دید طرف مقابل قوی است، حتی تهدید هم نمیکند. به نظر من جز این راهی وجود ندارد.

بایستی از خدای متعال کمک خواست، به خدای متعال توکل کرد، به ائمه‌ی اطهار (علیهم السّلام) متوسّل شد که شفاعت کنند و کمک کنند، و همّت ملی را به میدان آورد و ان شاء الله کارها را پیش برد؛ و این کار به توفیق الهی خواهد شد.

والسّلام علیکم ورحمة الله وبرکاته



۱- بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم پس از مراسم عزاداری
سالروز شهادت حضرت امام رضا (علیه السلام) (۱۴۰۴/۶/۲)

۲- برجسته

۳- دونالد ترامپ (رئیس جمهور آمریکا)



ایران امروز و ان شاء الله فردا
همان ایران روز ۲۳ خرداد و ۲۴ خرداد است که مردم
آمدند خیابانها را پر کردند و علیه صهیون ملعون
و آمریکای جنایتکار شعار دادند.

رهبر انقلاب اسلامی | ۱۴۰۴/۷/۱۱



بیانات رهبر انقلاب در سخنرانی تلویزیونی خطاب به ملت ایران | ۱۴۰۴/۷/۱۱



گزارش تصویری



صوت



فیلم کامل



متن بیانات